



محمد قاسم عرفانی
استاد دانشگاه

گفتمان مزاری به مثابه‌ی پارادایم ملی

ماه حوت، همه ساله شاهد برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها، سمینارها و محافلی است که به منظور بازخوانی، تفسیر، تکریم، تجلیل و ابراز وفا داری به آرمان‌ها، دیدگاه‌ها، طرح‌ها، مبارزات و شخصیت شهید مزاری صورت می‌گیرد. با گذشت بیش از دو دهه از شهادت ایشان، گستره‌ی صوری محافل نه تنها مرزهای کشور و منطقه که مرزهای قاره‌های جهان را درنوردیده است. اکثر پایتخت‌ها، شهرهای مهم و مراکز فرهنگی جهان در این روزها پذیرای چنین مجالسی است، در این میان نشست‌های کابل از ازنه‌ی اهمیت و صبغه سیاسی بالایی برخوردار است. اعطای لقب « شهید وحدت ملی » از سوی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان به مزاری به عنوان یک شخصیت تاریخ ساز در سال ۱۳۹۴ و حال برگزاری بیست و سومین سالیاد ایشان در ارگ ریاست جمهوری، فضای جدید و رسمی را به صورت فرا قومی برای آشنایی و تجلیل از شخصیت و برنامه‌های مزاری فراهم کرده است.

مزاری به عنوان یک رهبر جهادی بیشتر در دوره حکومت مجاهدین و در بطن منازعات سیاسی - نظامی مجاهدین مطرح گردید و هنگام سقوط کابل در سال ۱۹۹۶ به دست طالبان به طرز بیرحمانه‌ای همراه با تعدادی از یارانش به شهادت رسید. امروزه شهرت و محبوبیت ملی و جهانی مزاری در گرو نوع کنش سیاسی، رفتار فردی و گفتمانی است که مزاری برای عبور از منازعات قدرت و هویت و دست یابی به برابری، وحدت و همبستگی ملی مطرح کرد. در حالی که صراحت و صلابت مزاری موجب تحسین وی را نزد بخشی فراهم کرده است، ساده زیستی و شفافیت وی در مدیریت منابع مالی متعلق به مردم، باعث شده است که روز به روز بر میزان محبوبیت و جذابیت مزاری افزوده شود. مهمتر از آن‌ها ادبیات و راهکاری است که در نسخه مزاری برای معالجه بیماری مزمن و مداوم کشور، خلق و تئوریزه گردیده

“
با توجه به ظرفیت و پتانسیل ملی و حتی بین المللی گفتمان مزاری به نظر می‌رسد که رویکرد موجود در راستای گرامی‌داشت از شخصیت و گفتمان مزاری، در عین حالی که قابل تحسین است، برای معرفی این گفتمان به عنوان یک پارادایم ملی، نیازمند باز بینی و تغییر اساسی است.
”

است. حصارهای‌های که تا کنون مانع جدی بر سر راه ثبات، توسعه و پیشرفت کشور بوده است و هم اکنون نیز منازعه هویتی یکی از بزرگترین پروسه‌های ملی یعنی توزیع تذکره الکترونیکی را مختل کرده است. توزیع تذکره الکترونیکی مهمترین متغییر تضمین کننده انتخابات شفاف و سرشماری دقیق جمعیت کشور است. بی تردید مراجعه به گفتمان مزاری در این زمینه نیز می‌تواند نجات بخش در سطح ملی باشد. در گفتمان مزاری برابری در حقوق سیاسی، شهروندی نهفته است و بر همین مبنای در باب هویت نیز نوعی از هویت ملی را تجویز می‌کند که آئینه تمام‌نمای تمام ساکنان این سرزمین باشد.

این امر ایجاب می‌کند که برای معرفی این گفتمان و هم‌زمن سازی‌اش در حد یک پارادایم، طرح و پلان جامع و کلان در سطح ملی ایجاد گردد. نگارنده معتقد است که اقدام حکومت وحدت ملی مبنی بر اعطای لقب «شهید وحدت ملی» به مزاری و برگزاری مراسم سالگرد شهادت ایشان در ارگ ریاست جمهوری می‌تواند گام اولیه در این راستا به شمار رود و نه اقدام جامع و کافی. گفتمان مزاری زمانی به پارادایم ملی تبدیل می‌شود که کانون‌های کمتر سیاسی و بیشتر علمی و فنی-علاوه بر ساز و کار کنونی تکریم از گفتمان مزاری- برای تفسیر، بسط، بازخوانی و مرسوم‌سازی گفتمان مزاری تأسیس و مجموعه‌ای قابل قبول از نویسندگان، محققان و تئوری‌پردازان کشور طی یک برنامه منسجم و غیر ایدئولوژیک کار کرده و آنگاه با استفاده از ابزارهای مرسوم‌سازی موجود در کشور از قبیل سیستم‌تعلیم و تربیه، نظام آموزش عالی، مساجد، رسانه‌های صوتی و تصویری و جز آن برای نهادینه سازی این گفتمان تلاش شود و محورهای اساسی گفتمان مزاری برای غنی سازی پالیسی‌های ملی در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف و در طول سال و نه فقط ماه حوت، مورد بهره برداری ملی قرار گیرد. اتخاذ چنین رویکردی از یک طرف می‌تواند ضامن بقا و پویایی گفتمان مزاری باشد و از طرف دیگر تقلای عملیاتی جهت الهام از گفتمان مزاری برای حل مسایل کشور به شمار می‌رود. بنابراین گفتمان وحدت بخش و برابری خواهانه مزاری به عنوان سرمایه اجتماعی ملی، زمانی می‌تواند موثریت خود را داشته باشد که به پارادایم ملی تبدیل شود. با اینکه در طی سالیان گذشته این گفتمان مورد توجه، بازخوانی و تفسیر قرار گرفته است ولی در به عنوان تفکر راهبردی ملی در متن سیاست، دانش و اجتماع، جایگاه پارادایم را پیدا نکرده است در حالی که از پتانسیل و ظرفیت بسیار بالا برخوردار است.

است. مجموعه ادبیات که مزاری خلق و تولید کرد، دارای نظم منطقی است که روی هم‌رفته یک گفتمان را تشکیل می‌دهد و می‌توان از آن زیر نام گفتمان عدالت خواهانه مزاری یاد کرد. مزاری در آن روزگار بارها بر «حق تعیین سرنوشت» ملت در چارچوب انتخابات آزاد، شفاف و عادلانه تأکید کرده و از برابری و برادری یکایک شهروندان افغانستان سخن گفت. در گفتمان مزاری و هم‌سوی با اقتضائات دوران مدرن، داغ ننگ بر یک گروه قومی و زبانی به خاطر تبار، رنگ و زبان، قابل پذیرش نبوده و ساختار اجتماعی مبتنی بر کاست قومی و قبیله‌ای منسوخ می‌باشد. در گفتمان مزاری جنگ و منازعه خشونت‌بار راه حل نبوده بلکه گفتگوی مبتنی بر منطق همدیگر پذیری بهترین راهکار برای همزیستی مسالمت آمیز، محسوب می‌شود. یکی از عناصر اساسی گفتمان مزاری که می‌توان از آن به عنوان دال مرکزی این گفتمان یاد کرد، «عدالت اجتماعی» است. در پرتو عدالت اجتماعی دیگر شهروند درجه یک و درجه دو وجود ندارد. در این چارچوب معیارهای برتری تباری، خونی، زبانی و سمتی، جای خودش را به معیارهای جهانشمول تخصص، تعهد، صداقت، کارآمدی، موثریت و در یک کلام شایستگی می‌دهد. این‌ها ارزش‌ها و معیارهای جهانی است که انسان‌های مدرن و دموکرات روی آن توافق دارند. بی‌تردید این گفتمان نسخه‌ای بی‌بدیل برای کشور چند قومی مثل افغانستان است. این نسخه از عمق و ژرفای ستودنی برخوردار است؛ زیرا مزاری در مقام آفریدگار یک گفتمان پس از لمس و درک بیماری و دردهای کشنده ناشی از آن، به‌سان طبیب حاذق در پی شناسایی ریشه‌ها و علل بیماری گشته و با اشراف بر ریشه‌ها و عوامل بیماری، نسخه‌اش را در قالب «عدالت اجتماعی، برابری و برادری» تجویز کرد. از این رو گفتمان مزاری شایستگی و استحقاق آن را دارد که به مثابه یک پارادایم ملی مطرح، معرفی و نهادینه گردد. با توجه به ظرفیت و پتانسیل ملی و حتی بین‌المللی گفتمان مزاری به نظر می‌رسد که رویکرد موجود در راستای گرامی‌داشت از شخصیت و گفتمان مزاری، در عین حالی که قابل تحسین است، برای معرفی این گفتمان به عنوان یک پارادایم ملی، نیازمند بازبینی و تغییر اساسی است. به نظر می‌رسد فعلاً رویکرد تجلیل از گفتمان مزاری، فصلی، تقلیل‌گرایانه و در مواردی ابزار انگارانه و عاری از آگاهی و اشراف لازم بر ابعاد این گفتمان می‌باشد.

از این رو پیشنهاد می‌گردد دلسوزان و باورمندان به گفتمان مزاری از طرح پارادایم سازی گفتمان مزاری حمایت کنند. حمایت از این طرح، حمایت از منافع علیای کشور و عبور از حصارهای کشنده و تنگ قومیت، زبان و سمت